



ایران عملاً تنها کشوری در غرب آسیا محسوب می‌شود که تحت تأثیر رژیم امنیتی امریکا در منطقه قرار ندارد. این نکته و به همراه آن منابع وسیع نفت می‌تواند در میزان محاسبات چینی‌ها در خصوص ایران مؤثر باشد

در سطح روابط راهبردی با سایر کشورها دارد. در این میان ایران امتیازاتی نسبت به سایر کشورها در خصوص روابط دو جانبه دارد که باید از آن استفاده کند. ایران عملاً تنها کشوری در غرب آسیا محسوب می‌شود که تحت تأثیر رژیم امنیتی امریکا در منطقه قرار ندارد. این نکته و به همراه آن منابع وسیع نفت می‌تواند در میزان محاسبات چینی‌ها در خصوص ایران مؤثر باشد. بدون شک عملی کردن این تأثیر نیاز به اجرای برنامه‌های جدی برای ایجاد بستری به منظور توسعه زنجیره ارزش در طول کریدورهای مطرح منطقه دارد.

این زنجیره‌های ارزش با اتصال نقاط مهم جمعیتی می‌تواند به‌عنوان یک موتور مهم رشد برای کشور عمل کرده و در عین حال به نوعی کاتالیزور مسیر روابط ایران و چین باشد. همان گونه که عربستان از اهرم انرژی برای این کار بخوبی استفاده کرد، البته طبیعی است که انگیزه‌های توسعه روابط ایران با چین با عربستان و چین متفاوت باشد، به‌عنوان مثال منطقه مکران در سواحل دریای عمان منطقه‌ای مهم و راهبردی برای ایجاد نوعی زنجیره ارزش متشکل از صنایع پتروشیمی و تجارت است. این منطقه با نزدیکی به میدین اصلی نفت و گاز ایران در جنوب می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای برای توسعه صنایع پایین‌دستی و سپس اتصال آن به کریدور «قراقوم- گوادر» در کشور پاکستان مطرح شود. توسعه بندر جاسک و ایجاد خط لوله «گوهر-جاسک» به‌عنوان ایجاد یک خط ایمن برای انتقال نفت از روی زمین بخوبی قابلیت‌های این بندر را نشان می‌دهد.

با وجود تمام این قابلیت‌ها همچنان این منطقه از جایگاه خود فاصله فراوانی دارد، در حالی که طرف پاکستانی با استفاده از سرمایه‌گذاری چینی در بندر گوادر توانسته به یک قطب ترانزیتی در اقیانوس هند تبدیل شود. موارد فراوانی در این باره برای مثال، وجود و طرف چینی‌ها بارها آمادگی خود را مطرح کرده‌اند اما کندی کار و بخصوص روال بوروکراسی‌های موجود سبب شده قدم‌های جدی در این باره برداشته نشود. سایر طرف‌ها و رقبای منطقه‌ای ایران با درک شرایط موجود بسرعت همکاری‌های خود را با عربستان گسترش داده‌اند. در این میان حتی کشور کوچکی نیز همچون کویت به‌دنبال توسعه برخی از جزایر خود با کمک عربستان است و کشوری همانند عمان در حال توسعه بندر «الدقم» با حضور مشترک چین و امریکاست. بازتاب این روابط گسترده را می‌توان در سفر اخیر رئیس‌جمهور چین به عربستان دید. شاید بتوان گفت این سفر از مهم‌ترین تلاش‌های چین برای مقابله با تحریم‌هایی است که در آینده ممکن است بازار انرژی چین را هدف قرار دهد. استفاده از یوان برای خرید و فروش انرژی امتیاز مهمی است که نصیب چین شد که البته با توجه به حساسیت واشنگتن به این مسئله بعید است که سعودی‌ها به‌دنبال تحقق کامل آن باشند؛ نکته‌ای که می‌توان با آن به دلایل رفتار رئیس‌جمهور چین در عربستان پی برد.



کلید توسعه روابط تهران و پکن در کجا نهفته است؟

نگاهی به حواشی اخیر سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان

بسیار بزرگ‌تر باشد. آیا اساساً چینی‌ها به‌دنبال کار کردن با ایران هستند؟

تقابل چین و امریکا و آینده جهان

مدت‌هاست که تقابل بین چین و امریکا به‌عنوان دو قدرت بزرگ جهانی از یک احتمال تبدیل به واقعیتی روی صحنه شده است. مدت‌هاست مقامات دولت بایدن از جمله وزیر دفاع این کشور بر این نکته تأکید می‌کنند که چین تنها کشوری است که می‌تواند و اراده آن را دارد که نظم فعلی بین‌المللی را در دنیا تغییر دهد.

در دستورالعمل موقت امنیت ملی امریکا در سال ۲۰۲۲ بخش مهمی از پاراگراف‌ها به راهبرد این کشور در مقابل چین اختصاص یافته است. در اغلب گزارش‌های اندیشکده‌های مطرح امریکایی، ۱۰ سال آینده به‌عنوان زمان کلیدی برای رقابت بین دو ابرقدرت شناخته می‌شود.

با این حال رقابت چین و امریکا بر خلاف صف‌آرایی اتحاد جماهیر شوروی و امریکا در دوران جنگ جهانی دوم، رقابتی با مرزهای روشن جغرافیایی و نظامی نیست. بر خلاف دوران جنگ سرد که رقابت دو ابرقدرت مبتنی بر فناوری‌های نظامی و صف‌آرایی‌های مشخص جغرافیایی همراه بود، جنگ سرد جدید در فضایی خاکستری و بر سر بازارهای جدید، تصاحب زنجیره‌های تأمین و توزیع در ابعاد جهانی و توسعه کریدورها صورت می‌گیرد. برای درک این واقعیت تنها اشاره به این نکته کافی است که بزرگترین شریک تجاری امریکا کشور چین است اما امریکایی‌ها همزمان در

مهدی پورصفا
خبرنگار

شاید پربسامدترین و جنجالی‌ترین موضوع در طول چند هفته گذشته بر سر سفر «شی جی پینگ» رئیس‌جمهور چین به عربستان و برگزاری چند دور مذاکره، امضای نزدیک به ۲۷ میلیارد دلار قرارداد با عربستان سعودی و در کنار آن برگزاری اجلاس‌هایی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای عربی و شمال آفریقا باشد.

جنجالی‌ترین بخش این سفر برای ایران اشاره به برخی مسائل مورد مناقشه مثل ضرورت همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و از آن مهم‌تر تأکید بر حل اختلافات بین ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه بود؛ مسأله‌ای که ایران آن را به هیچ‌عنوان به رسمیت نمی‌شناسد و مطرح شدن آن در این سفر منجر به واکنش‌های مردم و سطوح مختلف حاکمیت شد.

اگرچه و به ظاهر پکن با اعزام معاون نخست‌وزیر خود به تهران تلاش کرد تا حدود زیادی این رنجش ناگهانی را در تهران کاهش دهد اما مقامات ایرانی به صراحت خواستار جبران این رفتار چین شدند. در این میان بحث‌های جدی و دامنه‌داری در فضای نخبگانی و خبری ایران به راه افتاد که آیا زمان پایان دادن به ماجرای نگاه به غرب و سرمایه‌گذاری بیش از اندازه بر چین فرا نرسیده است؟ شاید این سؤال بخشی از یک پازل

روابط با چین است. از جمله آنها می‌توان به سرمایه‌گذاری گسترده در پالایشگاه و پتروشیمی‌های خاک اصلی چین، خرید گسترده تسلیحاتی و حتی آموزش زبان چینی اشاره کرد. طبیعی است که توسعه این حجم از روابط دو جانبه و سرمایه‌گذاری‌های گسترده بخصوص در قالب برنامه یک کمربند یک جاده انطباق بیشتری بر اهداف راهبردی چینی‌ها دارد. طبیعی است که یکی از اهداف سعودی‌ها ایجاد نوعی وزنه با طرف امریکایی است، بخصوص آنکه محمد بن سلمان اطمینان زیادی نسبت به حمایت کامل امریکایی‌ها از بیانیه پایانی ندارد. تأکید چین در بیانیه پایانی مذاکرات خود با عربستان بر حمایت از پادشاهی آل سعود دقیقاً در همین مسیر قرار دارد. امریکایی‌ها هم در مقابل این توسعه روابط تا کنون تلاش کرده‌اند مشکلی برای روابط دو طرفه با سعودی‌ها ایجاد نشود، اما موارد استثنا نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال انتشار گزارش‌هایی در خصوص ساخت یک پایگاه مخفی چینی در یکی از بنادر امارات منجر به واکنش سریع امریکا و انصراف سریع امارات از ادامه دادن این پروژه شد؛ اتفاقی که نشان داد امریکایی‌ها همچنان از لحاظ نظامی و امنیتی بر تمام روابط متحدان عرب خود با چین نظارت کامل دارند.

همکاری‌ها تهران و پکن را به هم پیوند می‌دهد

شاید در این میان سؤال مهم‌ترین باشد که اساساً با چنین وضعیتی، تهران باید چه موضعی در پیش گیرد. آیا دوباره باید مواضع فعلی را ادامه دهد، یا باید طرح دیگری برای این ماجرا ریخت. بازی بزرگ بین آسیا و اروپا واقعیت این است که روابط ایران و چین را باید در بازی بزرگی که به‌دنبال ترسیم خطوط تجاری و کریدورهای چند جانبه بین آسیا و اروپا است، پیدا کرد. از یک سو ترکیه به‌دنبال کریدور لاجورد در شمال ایران و از طریق کشورهای ترک‌زبان است و از سوی دیگر کریدور «عرب-مد» نیز به‌دنبال اتصال هند به اروپا از طریق دور زدن کانال سuez است. با وجود تلاش‌های فراوانی که از طول سالیان گذشته انجام شده هنوز هیچ پیشرفت جدی برای ایفای نقش ایران در این حوزه صورت نگرفته، البته اخیراً ساخت راه‌آهن چابهار به زاهدان و تکمیل مسیر رشت-آستارا امیدواری‌هایی به‌دنبال داشته اما رقبای ایران به‌صورت جدی در حال پیشرفت هستند. به‌عنوان مثال امارات مدت‌هاست که میزبان بزرگترین جمعیت چینی‌ها در غرب آسیا شناخته می‌شود و بانک‌های این کشور از امتیاز انحصاری دسترسی به یوان برای مبادلات بانکی برخوردارند. علاوه بر این امارات مدت‌ها به‌دنبال تبدیل بندر «جبل علی» به‌عنوان یک مرکز برای مبادلات تجاری است. عربستان نیز در چهارچوب برنامه کلان خود موسوم به افق ۲۰۳۰ به برنامه‌های جدی برای گسترش

این سفر عملاً نشان داد که رقابت چین و امریکا بر سر رهبری آینده دنیا بر نقطه اقتصاد خواهد چرخید و در این میان کشورهای عربی به‌عنوان اصلی‌ترین تأمین انرژی چین نقش مهمی در این بازی ایفا خواهند کرد، بخصوص آنکه برخی رسانه‌ها از توافق دو کشور برای فروش نفت به یوان-واحد پول چین- سخن می‌گویند.

رقابت چین و امریکا بر خلاف سرد که رقابت دو ابرقدرت مبتنی بر فناوری‌های نظامی و صف‌آرایی‌های مشخص جغرافیایی همراه بود، در دوران جنگ سرد رقابتی با مرزهای روشن جغرافیایی و نظامی نیست. بر خلاف دوران جنگ سرد که رقابت دو ابرقدرت مبتنی بر فناوری‌های نظامی و صف‌آرایی‌های مشخص جغرافیایی همراه بود، جنگ سرد جدید در فضایی خاکستری و بر سر بازارهای جدید، تصاحب زنجیره‌های تأمین و توزیع در ابعاد جهانی و توسعه کریدورها صورت می‌گیرد. برای درک این واقعیت تنها اشاره به این نکته کافی است که بزرگترین شریک تجاری امریکا کشور چین است اما امریکایی‌ها همزمان در

می‌گیرد